صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی و هنری راه روشن
مدیر مسئول: سید حسین ساداتی نژاد
مدیر روابط عمومی: سید علی ساداتی نژاد
مدیر بازرگانی: فاطمه بصیرتی
خبرنگاران: محمدطاها نمکی، شیوا قزوینه
مدیر فضای مجازی: سعید خلج امیرحسینی
طراح و صفحه آرایی : علی دشتی منفرد ، ، فرشاد مصاحبی محمدی ، حمید کلیابی
آدرس: کاشان-بلوار باهنر-کوی شهید متقی- پلاک ٥٤- مجتمع راه روشن
بازرگانی: ۰۹۱۳۹۶۲۶۳۸۶
سردبیر: محمد ادریسی
دبیر پژوهشی: مجتبی خندان
دبیر فرهنگی : محمد مهدی سعیدی
امور چاپ: چاپخانه ریحان
روابط عمومی: ۰۹۱۳۹۶۱۸۰۹۸

حدیث روز

امام صادق علیه السلام
إِنَّ لِلّهِ حَرَماً وَ هُوَ مَکَّةُ وَ لِرَسُولِهِ حَرَماً وَ هُوَ الْمَدِینَةُ وَ لِأَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ حَرَماً وَ هُوَ الْکوفَةُ وَ لَنَا حَرَماً وَ هُوَ قُمٌّ وَ سَتُدْفَنُ فِیهِ امْرَأَةٌ مِنْ وُلْدِی تُسَمَّی فَاطِمَةَ مَنْ زَارَهَا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ؛
خدا را حرمی است و آن مکه است، پیامبر را حرمی است و آن مدینه است، امیرالمومنین را حرمی است و آن کوفه است و برای ما حرمی است و آن قم است و در آن خانمی از فرزندان من به نام فاطمه دفن خواهد شد، هرکس وی را زیارت کند پاداشش بهشت خواهد بود.

تپه سیلک کاشان ؛ یک تمدن هشت هزار ساله

سیَلْک نام نخستین تمدن ایران مرکزی در کاشان است. محوطه باستانی سیلک که در منطقه فین کاشان واقع شده قدمتی در حدود بیش از هشت هزار سال دارد. این تپه دراصل ویرانه‌های زیگورات باستانی ایران است.

«نزدیک به هشت هزار سال پیش از میلاد، مردم غارنشین فلات ایران در پی دگرگونی‌هایی که از لحاظ آب و هوا و تشکیل مزارع و چمنزارها به وجود آمد به دشت‌ها روی آوردند و زندگی تازه‌ای را آغاز کردند و در تمدن آن‌ها نسبت به دوران‌های پیشین پیشرفت بیشتری دیده شد؛ کهن‌ترین مردم دشت‌نشین، مردم محل سیلک (Sialk) نزدیک کاشان بودند که آثار زندگی ایشان را در آن‌جا به دست آورده‌اند.»

سیلک یکی از محوطه‌های باستان‌شناختی مهم فلات ایران است که در حدود بیش از هفت هزار و پانصد سال پیش از میلاد یکی از قدیمی‌ترین سکونت‌گاه‌های فلات مرکزی ایران در آن به وجود آمد. محوطه باستانی سیَلْک در پهلوی جنوب غربی کاشان و در سمت راست جاده کاشان به فین قرار دارد و از دو تپه شمالی و جنوبی که در فاصله ۶۰۰ متری یکدیگر قرار دارند و دو گورستان تشکیل شده‌است.

یکی از گورستان‌ها که گورستان الف نامیده

می‌شود ۳۵۰۰ ساله‌است و در ۲۰۰ متری جنوب تپه جنوبی واقع شده‌است که امروزه بر روی آن بلواری ۲۴ متری به نام بلوار امیرالمؤمنین کشیده شده‌است. گورستان دیگر که گورستان ب نامیده می‌شود ۳۰۰۰سال قدمت دارد و در زیر باغ‌ها و زمین‌های کشاورزی پهلوی غربی تپه‌ها قرار دارد. تپه سیلک در حقیقت ویرانه‌های قدیمی‌ترین زیگورات جهان و نیایشگاه مردمان باستانی ایران بوده که از گِل رس و سفال ساخته شده‌است. این مجموعه تاریخی تا سال ۱۳۱۰ خورشیدی شناسایی نشده بود و در میان مردم کاشان به شهر نفرین شده معروف بود.

بعد از انتقال شماری از آثار به موزه لوور فرانسه، کارشناسان این موزه متوجه دیرینگی این آثار شدند و رومن گیرشمن به ایران فرستاده شد و با همکاری آندره گدار فرانسوی که مدیر موزه ملی ایران بود توانست به کاوش در این میدانگاه ادامه دهد. هیئت باستان‌شناسی به سرپرستی رومن گیرشمن سه فصل کاوش در سال‌های ۱۹۳۳، ۱۹۳۴ و ۱۹۳۷ میلادی بر روی هر دو تپه سیلک و دو گورستان نزدیک به آن انجام دادند و در سال ۱۹۳۸ (۱۳۱۷ خورشیدی) در دو مجلد با عنوان سیلک کاشان به زبان فرانسوی در پاریس چاپ کردند که بعدها به دست انتشارات میراث فرهنگی ایران به فارسی برگردانده شدند. در سال ۱۳۸۰ خورشیدی دکتر صادق ملک شهمیرزادی از سوی سازمان میراث فرهنگی ایران جهت کاوش به منطقه فرستاده شد. گروه کاوش طی ۵ فصل کاوش که تا سال ۱۳۸۵ ادامه داشت، به نتایج جدیدی دست یافتند که در مجلدهای زیر به انتشار رساندند.

زیگورات سیلک: گزارش فصل اول کاوش
سفالگران سیلک: گزارش فصل دوم کاوش
نقره‌کاران سیلک: گزارش فصل سوم کاوش
شکارچیان سیلک: گزارش فصل چهارم کاوش
سیلک، کهن‌ترین روستای محصور ایران: گزارش نهایی کاوش
روستاییان سیلک: مجموعه مقالات کاوش

هر شش مجلد، توسط پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، چاپ و منتشر شد. در طی کاوش‌های این گروه نیایشگاه سیلک که به زبان اکدی زیگورات نامیده می‌شود، کشف شد. این پرستشگاه را رومن گیرشمن (کاشف زیگورات چغازنبیل) نتوانسته‌بود پیدا کند. تپه تاریخی سیلک در ۲۴ شهریور ۱۳۱۰ با شماره ۳۸ در فهرست آثار تاریخی و ملی ایران به ثبت رسید. سیلک دارای ۲ تپه شمالی و جنوبی است. قدمت قدیمی‌ترین آثار به دست آمده از تپه شمالی به حدود ۷۵۰۰ سال قبل می‌رسد و آخرین آثار یافت‌شده از تپه جنوبی مربوط به ۵۰۰۰ سال پیش است. در خرابه‌های تپه باستانی سیلک چند اسکلت انسان و ظروف باستانی پیدا شده‌است که این اشیاء در موزه‌های لوور فرانسه، موزه ملی ایران و موزه باغ فین و موزه‌ای در کنار این مجموعه باستانی قرار داده شده‌است. از نکات دیدنی این منطقه باستانی وجود خرده سفال‌های چند هزار ساله روی زمین و پیرامون این تپه‌ها است.

پیداشدن دوک‌های ریسندگی و بافندگی نشانی از آشنایی این مردم در هزاره‌های پیش از میلاد از صنعت ریسندگی و بافندگی دارد. همچنین ساکنان این منطقه با ذوب کردن فلزات برای خود وسائل و ابزارهای کار می‌ساختند.

با کشف کوره ذوب فلزات در بخش جنوبی این تپه، می‌توان شهر سیلک را جزو صنعتی‌ترین شهرهای آن دوران محسوب کرد.

«ساکنین سیلک برای محافظت خود از گرما و سرما در اتاق‌های کوچکی که با شاخ و برگ درختان می‌ساختند به سر می‌بردند و بعدها خانه‌های گِلین نیز بنا نهادند و تحقیقاتی که در محل مزبور انجام گرفته‌است نشان می‌دهد که مردم فلات ایران به امر کشاورزی پرداختند و حیوانات اهلی را نیز پرورش دادند. در خرابه‌های سیلک بقایای استخوان گاو و گوسفند شاهد بارزی بر توجه مردم آنجا به تربیت این‌گونه حیوانات است. در این محل ظروف سفالین قرمز رنگی نیز پیدا کرده‌اند که از لحاظ صنعت نسبت به ظروف پیش تا حدی کامل‌تر به نظر می‌آید و معلوم می‌شود که آن‌ها را در کوره‌های ابتدایی می‌ساختند. چون در همین محل مقداری دوک‌های سنگی و گِلین به دست آورده‌اند تصور می‌رود که مردم آن زمان با صنعت نساجی آشنایی داشته‌اند. در پایان عهد حجر پسین مردم این سامان آلات و ابزار خود را با مس می‌ساختند و کم‌کم این‌گونه ادوات جای ابزار سنگی را که تا آن زمان متداول بود گرفت و به تدریج کنده‌کاری بر استخوان نیز معمول شد و مردان و زنان به زینت‌آلات توجه خاصی نشان دادند و مردگان را در محل سکونت خویش به خاک سپردند.»

«در هزاره چهارم یش از میلاد مردم دشت‌نشین فلات ایران در کار زندگی پیشرفت بیشتری کردند و این پیشرفت در توسعه محل سکونت و توجه به تزیین منازل آن‌ها به خوبی دیده می‌شود، در قریه سیلک نموداری از آن وجود دارد، ساکنین این محل اتاق‌های خود را با اکسیدآهن و مواد دیگر نقاشی می‌کردند و ظروف سفالین ظریف می‌ساختند و تصویر پرندگان و حیوانات وحشی را بر روی آن‌ها با رنگ سیاه منقوش می‌کردند و به تدریج این ظروف شفاف‌تر و شکل آن‌ها منظم‌تر شد، از این‌جا می‌توان حدس زد که مردم آن ناحیه جهت انجام این عمل به اختراع چرخ نائل شده بودن، چرخ آن‌ها تخته باریکی بوده‌است که بر زمین می‌گذاشته‌اند و آن را با دست می‌چرخاندند و به این ترتیب به ظروف خود شکل زیباتری می‌دادند. تاکنون شبیه این‌گونه ظروف در هیچ‌یک از کشورهای آن دوران به دست نیامده است. چنین می‌توان نتیجه گرفت که ایرانیان در این صنعت سرآمد اقوام دیگر بودند و شاید اختراع مزبور ویژه آن‌ها باشد. با آن‌که سنگ در ساختن آلات و ادوات در این عهد به کار می‌رفت فلز نیز بیش از دوره پیش وارد صنعت گردید، مس را با چکش صاف می‌کردند، اما طرز ذوب کردن فلزات را نمی‌دانستند و با مس سنجاق و ظروف ظریف می‌ساختند. چون استخوان‌های نوعی اسب و سگ به دست آمده‌است این توهم حاصل می‌شود که مردم آن دوره از این‌گونه حیوانات در حمل و نقل استفاده می‌کردند و مسلماً توسعه کشاورزی مدیون همین امر بوده‌است. در این دوره تجارت نیز رو به پیشرفت نهاد. اما دادوستد بیش‌تر مربوط به محصولات کشاورزی مانند گندم و جو بود. مسئله دیگر که اهمیت دارد این است که کشت گندم و جو نخستین بار در ایران متداول شد.

«در اواخر هزاره چهارم پیش از میلاد در سیلک خانه‌های قدیمی از میان رفت و به جای آن خانه‌هایی با در و پنجره کوتاه ساخته شد و در ورودی آن اجاقی مرکب از دو بخش وجود داشت، یکی برای آشپزی و دیگری مخصوص پخت نان. در این دوره غیر از ظروف سفالین بعضی تُنگ‌های کوچک از مرمر که گویا مخصوص نگهداری عطر بود در حفریات سیلک پیدا شده‌است و همچنین مقداری آئینه مسی جهت آرایش به دست آمده‌است. از ویژگی‌های این دوره وجود گوشواره‌هایی از طلا و لاجورد است. الواحی نیز با خط مخصوص پیدا شده‌است که هنوز نتوانسته‌اند آن را بخوانند و همین امر می‌رساند که نفوذ مردم بین‌النهرین پس از رخنه به شوش به سیلک نیز ادامه یافت. طبق تحقیقات دیگر گیرشمن این مسئله محقق شده‌است که مُهرهای استوانه‌ای شکل به جای مُهرهای پیشین با خطی خاص جهت کالایی که از سیلک به نواحی دیگر می‌فرستادند ساخته می‌شد. این مُهرها از گِل رس تهیه می‌شد. سیلک تنها ناحیه‌ای است که پیش از دوران هخامنشی در آن مدرک کَتبی به دست آمده و حدس می‌زنند که این مدرک صورت‌حساب و ارقام مربوط به مالیات یا دادوستد بوده‌است و از اینجا معلوم می‌شود که در هزاره سوم پیش از میلاد در ایران خط متداول بوده و ایرانیان تمدن برگرفته از مردم جنوب‌غربی و شمال‌شرقی را توسعه و به شکلی بهتر به مردم ممالک دیگر یا به همان ممالکی که از آن‌جا گرفته بودند انتقال دادند.»

«از ظروف سفالینی که در سیلک به دست آمده‌است تصاویر بز کوهی و اسب و خورشید و همچنین اشکال هندسی فراوان دیده می‌شود و از این اکتشافات نتیجه می‌گیریم که با وجود آنکه آهن و مفرغ در تهیه آلات و ادوات گوناگون به کار می‌رفته‌است صنایع کوزه‌گری و سفال‌سازی رونق خود را حفظ کرده‌است. در این‌گونه اشیاء تصاویر مردانی ملبس به نیم تنه کوتاه و کلاهخودی بر سر مشغول زدوخورد با یکدیگر دیده می‌شود.» «مردم سیلک گاهگاه مردگان را در نزدیکی اجاق خانه خویش در عمق ۱۵ تا ۲۰ متر دفن می‌کردند و بدنِ آن‌ها را با گِل اُخرا رنگ می‌کردند و برخی آلات و ادوات را با آنها در گور می‌گذاشتند.»

«در نیمه اول هزاره نخستین پیش از میلاد، گورهای ایرانی وضع بهتری به خود گرفت و بامی برفراز آن با دو شیب متضاد شبیه به شیروانی امروزی تعبیه کردند و مجموعاً جمجمه‌هایی که از این گورها به دست آمده‌است مربوط به مردمی با جمجمه‌های گرد می‌شود. طبق تحقیقات جدید در مزارهای قدیمی سیلک مسلم شده‌است که مردم آن زمان شامل دو طبقه بوده‌اند. نخست طبقه اشراف و درباریان و سپاهیان که همراه جسد آن‌ها اشیای قیمتی بسیار دیده می‌شود، دیگر طبقه دهقانان و روستاییان و پیشه‌وران و شاید بومیان آن سرزمین که گورهای آن‌ها محقر و بدون بام شیب‌دار و دربردارنده اشیایی ساخته شده از مفرغ است.»

برخورد دو قوم ایرانی و بومی را می‌توان در آثار باستانی بازمانده در تپه سیلک کاشان به خوبی دید. در آنجا دو گروه متفاوت با دو نوع آداب و رسوم و فرهنگ متمایز دیده می‌شود. در سیلک نزدیک روستای پیش از تاریخ بومیان آثار یک دژ مستحکم که دارای کاخ و محله‌ٔمسکونی و شهر مردگان است، دیده می‌شود. درگذشتگان قوم تازه‌وارد مانند بومیان در زیر اتاق‌های مسکونی بخاک سپرده نشده‌اند. آنان را در شهر مردگان به خاک می‌سپردند و لوازم زندگی آن‌ها را مانند ظرف، سفالینه، کلاه خود، اشیاء زینتی و لوازم مربوط به اسب را همراه آنان در گور می‌گذاشتند. بر روی سفالینه‌ها نقش اسب دیده می‌شود و این نشان آنست که اسب در زندگی آن‌ها اهمیت بسیاری داشته‌است.

اندیشه زایش و مرگ یکی از نخستین اندیشه‌های فلسفی ایرانی‌ها بود. آن‌ها مرگ را تولد دیگر می‌دانستند و از اینرو درگذشتگان را به شکلی که کودک در شکم مادر دارد با پاها و دست‌های جمع شده بر روی سینه بخاک سپردند تا بهمان گونه که به این دنیا آمده‌اند به دنیای دیگر وارد شوند. بر روی گور که آن را همچون خانه آخرت می‌پنداشتند سنگ‌ها و الواح گلی به صورت خرپشته و شیروانی مانند گذاشته شده‌است و این ادامه سنت خانه‌سازی آن‌ها در مناطق باران‌خیزی است که از آنجا کوچ کرده‌بودند. این روش بام‌سازی در نخستین گورهای دوران هخامنشی مانند آرامگاه کورش نیز دیده می‌شود و نمودار آن است که این قوم ایرانی پیش از آمدن به فلات ایران چندین سده در نواحی باران خیز ساحل غربی و جنوبی دریای خزر زیسته‌اند و از آن راه به فلات ایران رسیده‌اند محوطه باستانی سیلک یا بهتر است بگوییم تپه سیلک در اصل ویرانه به‌جامانده از زیگورات متعلق به ایران باستان است که زمانی به عنوان نیایشگاه مردم ایران باستان مورد استفاده قرار می‌گرفت و از سفال و گل رس ساخته شده است.

زیگورات نوعی سبک معماری مذهبی است که عمدتا مخصوص شهرهای بین‌النهرین یا عراق کنونی و ایران بوده است. طبق این شیوه معماری بنا به‌صورت یک برج مطبق و هرمی شکل بنا می‌شده است. این محوطه شامل تپه شمالی (سیلک کوچک) با مساحت پنج هکتار، تپه جنوبی (سیلک بزرگ) با مساحت هشت هکتار و ۲ گورستان است که در فاصله ۶۰۰ متری از هم قرار گرفته‌اند. گورستان الف قدمت ۳۵۰۰ ساله دارد و متاسفانه امروزه روی آن بلوار ۲۴ متری امیرالمومنین کشیده شده است. گورستان ب هم با قدمت ۳۰۰۰ سال در زیر باغ‌ها و مزارع کشاورزی ضلع غربی تپه قرار گرفته است. اگر اطلاعات کافی نداشته باشید در نگاه اول به تپه سیلک تصور می‌کنید که همه چیز درباره اینجا دروغ بوده و این محوطه تاریخی فقط یک تل خاک است؛ اما وقتی پیش از سفر به این دیدنی تاریخی اطلاعات کافی کسب کنید و بیشتر با تمدن سیلک آشنا شوید خواهید فهمید که با چه جواهر گران‌قیمتی طرف هستید.

ماجرای شکل‌گیری این تمدن از این قرار است که در پی تغییرات آب‌وهوایی که هزاران سال قبل اتفاق افتاد آب‌وهوای فلات ایران مناسب‌تر شد و چمن‌زارها و دشت‌های سرسبز در نقاط مختلف شکل گرفتند. باوجود این رخدادهای طبیعی مردم غارنشین فلات ایران تصمیم گرفتند که به‌جای غار در دشت به زندگی ادامه بدهند. یکی از عجیب‌ترین موضوعات درباره تپه سیلک ماجرای کشف تصادفی آن است. شاید باور نکنید ولی تا حدود ۸۰ سال پیش کسی از وجود این تمدن بزرگ و چند هزار ساله خبر نداشت. این منطقه حتی در بین مردم کاشان به شهر نفرین شده معروف بود. پس از سیل شدیدی که ده‌ها سال قبل در این منطقه اتفاق افتاد تعدادی از گورها، ابزارآلات و ظروف سفالی از دل زمین بیرون آمدند. با پیدا شدن عتیقه‌های چند هزار ساله از دل زمین‌های اطراف فین کاشان متاسفانه همه چیز به بدترین شکل ممکن پیش رفت. آن‌هایی که می‌خواستند پول‌دار بشوند و یک‌شبه ره صدساله را بروند شروع به شخم زدن زمین‌های این محوطه تاریخی کردند و عتیقه‌هایی که به دست می‌آوردند را با قیمت‌های ناچیز به دلالان و قاچاقچیان عتیقه می‌فروختند. با انتقال عتیقه‌ها به موزه‌های کشورهای غربی از جمله موزه لوور پاریس، رومن گیرشمن که از باستان شناسان موزه لوور بود به‌قصد نجات این منطقه به ایران سفر کرد و با کمک آندره گدار که مدیر موزه ملی ایران بود کاوش‌های گسترده‌ای را در این منطقه آغاز کرد و نتایج را هم در چند بخش منتشر کرد. زحمات گیرشمن و همکارانش بی‌نتیجه ماند و زمان به گونه‌ای سپری می‌شد که احتمالا اگر سروکله دکتر صادق ملک شهمیرزادی پیدا نمی‌شد دیگر هیچ اثری از تپه سیلک باقی نمی‌ماند و همه جای آن تبدیل به منازل مسکونی، زمین کشاورزی و جاده و خیابان شده بود. دکتر شهمیرزادی همراه با یک تیم کار بلد از سال ۱۳۸۰ شروع به عملیات باستان‌شناسی در این منطقه کردند و تا سال ۱۳۸۵ اطلاعاتشان را در ۵ فصل منتشر کردند. تپه سیلک دروازه‌ای برای ورود به گذشته است.

در نتایج پژوهش‌های انجام شده توسط گیرشمن و دکتر شهمیرزادی به‌طور مفصل به خصوصیات این مکان تاریخی حیرت‌انگیز اشاره شده است. در حال حاضر تپه سیلک یک نقطه گرم و خشک است؛ ولی طبق آثار باستانی به‌دست‌آمده از هزاران سال قبل این تپه منطقه‌ای جنگلی و مرطوب بوده است و انواع حیوانات اهلی و وحشی در این نقطه وجود داشته‌اند. طرح و نقش‌های روی ظروف سفالی به ما نشان می‌دهند که حیواناتی مثل شیر، پلنگ، گوزن و آهو در این منطقه زندگی می‌کرده‌اند. درگذشته رودخانه‌ای هم در تپه سیلک وجود داشته که به یک دریاچه منتهی می‌شده و با توجه به نقش ماهی‌های روی ظروف سفالی احتمالا ساکنین این منطقه در رودخانه ماهیگیری می‌کرده‌اند. اشاره به ظروف سفالی کردیم و بد نیست به این موضوع اشاره کنیم که یکی از نکات جذاب و شنیدنی درباره این منطقه باستانی وجود خرده سفال‌های چند هزار ساله روی زمین و اطراف تپه‌ها است که به باستان شناسان برای شناخت هرچه بهتر این منطقه خیلی کمک کرده‌اند. این ظروف سفالی ارزشمند شامل ظروف دهان گشاد، ظروف منقاردار، کاسه، کوزه، جام و پیاله‌های کرم یا زرد رنگ هستند. روی این ظروف با رنگ سیاه یا قهوه‌ای تیره اشکال و نقش‌های هندسی، جانوری یا تلفیقی از هر دو کشیده شده است.

پیدا شدن دوک‌های ریسندگی و بافندگی یکی از چیزهای باورنکردنی درباره تپه سیلک است که نشان‌دهنده آشنایی مردم این تمدن چند هزار ساله با صنعت ریسندگی و بافندگی است. با کشف کوره ذوب فلز در بخش جنوبی این تپه کلکسیون عجایب تکمیل شد و می‌توان گفت تپه سیلک یکی از صنعتی‌ترین شهرهای آن زمان بوده است. به‌احتمال بسیار زیاد ساکنین سیلک با ذوب کردن فلزات مختلف برای خود ابزار و وسایل مختلفی می‌ساخته‌اند. اگر تپه سیلک کاشان را از نزدیک مشاهده نمایید، گویی تلّی از خاک روبروی‌تان است. اما در صورت آشنایی با تمدن این اثر و کسب اطلاعات کافی در مورد آن‌چه در سیلک مشاهده شده، خواهید دید که همین تپه خاکی درهای دنیایی ناشناخته را به روی‌تان باز کرده است.

این تپه که میراث گران‌قدر اجدادمان است، در سال ۱۳۱۰ هجری شمسی در لیست آثار ملی ایران به ثبت رسیده و در سال ۱۹۹۷ میلادی نیز در فهرست آثار موقت جهانی ثبت شده است.

پ.ن: وقتی که قصد سفر داریم و به دنبال مقصدی منحصر به فرد، متفاوت و سرشار از شگفتی هستیم؛ بدون شک دوست داریم یکی از عجیب‌ترین نقاط گردشگری را انتخاب کنیم که تا به آن روز هرگز در موردش خاطره‌ای نشنیده باشیم. یعنی دوستان و آشنایان ما کمتر به آن منطقهٔ بکر سفر کرده باشند. تپه سیلک می‌تواند یکی از همین مقاصد عجیب و سرشار از شگفتی باشد. این مقصد

دلپذیر نه تنها از لحاظ مکانی متفاوت و متمایز است بلکه جنبهٔ دیگری نیز دارد که آن را هزاران درجه بیشتر ممتاز و ارزشمند می‌کند. چون اگر گردشگری، تپه سیلک کاشان را به عنوان و قصد سفر خود انتخاب کند، نه تنها در مکان به گشت و گذار و سفر پرداخته است بلکه در زمان نیز وارد سیر و سیاحت شده است. چون این تپه‌های باستانی قدرت شگفت‌انگیزی دارند که چشم‌ها و ذهن‌ها را به خود جذب می‌کند و احساس حضور در زمان را از فرد می‌ربایند و او را به هزاران هزار سال پیش بازمی‌گردانند. درست همان دورانی که اوج شکوه این تپه‌ها به شمار می‌رود. زمانی که در این حوالی زندگی در جریان بود. زندگی آرام و باشکوهی به دور از هرگونه غم و درد و رنج. البته شاید گاهی هم غمی و دردی و رنجی وجود داشته است. اما غم‌هایی از جنس زندگی و طبیعت؛ با همان لطافتی که جریان آب در رود دارد و همان خنکایی که از عبور نسیم بر شاخسارهای سرسبز و بلند و بالا نفوذ می‌کند. مردمی که در آن دوران باشکوه بر فراز این تپه‌های گرم و تماشایی زندگی می‌کرده‌اند از تمدنی بی‌نظیر در دوران خود برخوردار بوده‌اند. اما آیا گاهی، اندکی به این تمدن ناب دقت کرده‌اید! سراسر سرشار است از هنر، تخیل، تصویرگری آن هم تصاویری غنی و مفهومی. طوری که حالا در این عصر و زمان بر مبنای همان تصاویر، پژوهشگران بسیاری سعی می‌کنند راز دوران گذشته را دریابند.

می‌خواهم بگویم آن تمدن دیرین به واقع رنگ فرهنگ و تمدن را داشت. همه چیز معنادار بود. هر شیء یا اثری نشانه‌ای بود. و می‌خواهم بپرسم، در عصر مدرن چقدر به معنای اشیاء و تصاویر و آثار هنری، معماری یا حتی اقلام و کالاهای مصرفی توجه می‌کنیم! آیا آن فرهنگ و تمدن، آن موشکافی و توجه، آن معناگرایی پیشین، هنوز در بطن تولیدات مدرن امروزی پیدا می‌شود؟

ما این روزها برای خلق یک اثر هنری یا کاربردی چقدر زمان صرف می‌کنیم؟ یا از یک کالای تولیدی چند سال نگهداری می‌کنیم؟ یک کالای تولیدی را برای چند سال ماندگاری خلق می‌کنیم؟ از عصر و دورهٔ ما برای آیندگان این مرز و بوم چه یادگارهایی باقی خواهد ماند؟ آیا ما توانسته‌ایم هنر، فرهنگ و تمدن پیشین را برای نسل‌های آینده زنده نگهداریم؟